



جایزه نوبل

بورس پاسترناک



جایزه نوبل

بورس پاسترناک



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزش‌شکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

جایزه نوبل

Nobel Prize

نویسنده: بوریس پاسترناک (Boris Pasternak)

مترجم: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

طرح روی جلد: تصویر بوریس پاسترناک بر روی تمبری در
اتحاد جماهیر شوروی به سال ۱۹۹۱

© E-Collaborative for Civic Education 2018

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

بوریس پاسترناک جایزه نوبل

بوریس پاسترناک (۱۹۶۰-۱۸۹۰) در شهر کوچکی نزدیک مسکو متولد شد. او اولین جلد اشعارش را در سال ۱۹۱۳ منتشر کرد و تا سال ۱۹۲۲ با انتشار سومین جلد اشعارش شاعری نام‌آور شده بود. از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۳ پاسترناک نتوانست اثری به چاپ برساند؛ چون سبک تغزلی شعر او مغضوب مقامات دولتی بود. طی این دوره او برای امرار معاش به کار مترجمی مشغول شد.

وقتی که پاسترناک رمان «دکتر ژیواگو» را به مجله ادبی مسکو فرستاد، کتاب به مستمسک ارائه تصویری «افتراآمیز» از انقلاب روسیه رد شد. این رمان در سال ۱۹۵۱ در غرب انتشار یافت و به رمانی پرفروش تبدیل شد که به ۱۸ زبان ترجمه شد. در همان حال که رمان از شهرت و اعتباری بین‌المللی برخوردار شده بود، در مطبوعات شوروی تهاجم و حملاتی به پاسترناک آغاز شد. او را از اتحادیه مترجمان اخراج کردند و به این ترتیب منبع درآمدش قطع شد. در سال ۱۹۵۸، که مطبوعات شوروی تقاضاهایی را برای اخراج پاسترناک از کشور چاپ کردند، جایزه نوبل ادبیات به او اعطا شد. پاسترناک، که از این حملات سخت آزرده‌خاطر بود، این افتخار را رد کرد و شعر زیر را در سال ۱۹۵۹ نوشت:

چونان حیوانی در قفسی
من از رفیقان، از آزادی، از خورشید دور افتاده‌ام

ولی صیادان نزدیک می شوند و من مفری ندارم.
 جنگلی تیره و لب یک برکه، تنه درختی فروافتاده.
 نه راه پیش هست و نه راه پس. همه چیز برای من به آخر رسیده است.
 من راهزن ام یا قاتل؟ به چه جرمی محکوم شده ام؟ جهانی را به گریستن
 انداختم از زیبایی سرزمین ام.
 اما باز هم حتی در یک قدمی گورم، باور دارم که ستم، کینه، نیروهای
 ظلمت به دست روح روشنایی در هم شکسته خواهند شد.
 آن تازیانه زندگان در این حلقه نزدیک تر می شوند و صیدی غلط پیش
 چشم شان است. هیچ کسی را در سمت راست ام ندارم، هیچ یار وفادار
 و صادقی را.
 و با این طنابی که بر گلوی من افتاده است، کاش برای یک ثانیه
 اشک های ام را کسی ایستاده در سمت راست من از گونه های ام بسترد.

بوریس پاسترناک، شاعر و رمان نویس روس، در سال ۸۵۹۱ جایزه نوبل ادبیات را به دست آورد.

